

## توضیحات

۱- چاپ انگلیسی " تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم"، که انگلس مقدمه ضمیمه را بر آن نوشت، در لندن تحت عنوان *Socialiem utorian scientific*، ترجمه در سال ۱۸۹۲ انتشار یافت.

به خاطر اهمیت این مقدمه انگلس آن را در سال ۱۸۹۲ به آلمانی ترجمه کرد که تحت عنوان "در باره ماتریالیسم تاریخی" در مجله " *Neue Zeit* " شماره ۱ و ۲، سال یازدهم، جلد اول (۱۸۹۳ / ۱۸۹۲) انتشار یافت.

۲- ژرف به جای لغت *Gründlichkeit* آمده است، ولی ترجمه دقیق آن نیست، زیرا ترجمه دقیق این لغت به زبان های خارجی غیرممکن است. همواره در ترجمه های این کتاب، حتی در زبان های اروپایی، که به زبان آلمانی نزدیک تر هستند، این کلمه به همان شکل آلمانی اش آورده شده است.

۳- دی مارک (*Die Mark*) به معنای یک واحد کشاورزی است. انگلس این اثر را در فاصله اواسط سپتامبر تا اواسط دسامبر سال ۱۸۸۲ به عنوان ضمیمه چاپ "تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم" نوشت. در سال ۱۸۸۳ "دی مارک" در مجله "سوسیال دمکرات" تحت عنوان "دهقان آلمانی که بوده است؟ کیست؟ که می تواند باشد؟" انتشار یافت.

۴- منظور ساکنین قاره اروپا بدون ساکنین جزایر بریتانیا و ایرلند است.

۵- به معنی دید محدود و تنگ نسبت به مسائل و تقریباً معادل "خرده بینی" است.

۶- آگنوستی سیسم که معنی لغوی آن به زبان یونانی "ندانستن" است، یک مکتب فلسفی است که اعتقاد دارد واقعیات عینی را نمی توان بطور اصولی شناخت. پیروان این مکتب بر این عقیده اند که در مقابل شناخت بشر مرزهای غیرقابل عبوری وجود دارد.

هیوم (فلسوف انگلیسی) و کانت (فلسوف آلمانی) آگنوستی سیسم جدید را پایه گذاری کردند. در دورانی که فلسفه بورژوازی تکامل یافت، این مکتب از طرف Spense، Mill، Huxley دنبال شد. برای اثبات نادرستی نظریات آگنوستی سیستها تنوری هائی که از جانب مکاتب مختلف فلسفی در باره شناخت ارائه داده شده، کافی نیست. برای این منظور باید به پراتیک، به مثابه معیار حقیقی شناخت رجوع کرد. انگلس در مقدمه ای که بر چاپ انگلیسی "تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم" نوشت بر همین پایه نظریات آگنوستی سیست ها را رد می کند.

۷- اسکولاستیک یک اصطلاح لاتینی است برای مکتبی که از طرف تنورسین های کلیسای کاتولیک در قرون وسطی تاسیس گردید. این مکتب در واقع بنیان گذار بینش فلسفی مطلق و ایدالیستی دینی می باشد. اسکولاستیک با نفوذ ترین مکتب فلسفی- مذهبی و در عین حال ایدئولوژی حاکم در دوران فنودالیستی اروپا بود. این مکتب در حدود ۷۰۰ سال، یعنی از قرن ششم تا قرن سیزدهم فلسفه حاکم در اروپا بشمار می رفت.

اسکولاستیک بر پایه روابط اجتماعی فنودالیستی در اروپا بوجود آمد. کوشش پیروان اسکولاستیک در این بود که قیودات مذهبی را با منطق علمی آن زمان، به خصوص منطق ارسطویی اثبات نمایند. برای این منظور شیوه خاصی را انتخاب کردند که به شیوه "اسکولاستیکی" معرف شد. به علت اینکه اسکولاستیک بخصوص در دوران زوال خود از ایجاد هرگونه رابطه با واقعیات و تجربیات علمی امتناع می ورزید و تلاش می کرد تنها از طریق مراجعه به لغات، مفاهیم و اصطلاحات فرضیات خود را اثبات رساند، امروز شیوه تحلیل و بحث اسکولاستیکی جنبه کاملاً منفی به خود گرفته و به کسی نسبت داده می شود که بدون در نظر گرفتن عینیات و تجربیات علمی و هم چنین رابطه دیالکتیکی پدیده ها با یکدیگر، تنها به بازی با کلمات اکتفا می کند.

۸- نومیالیسم جریان مخالفی است در درون مکتب اسکولاستیک و به مثابه یک جریان مترقی فلسفی در قرون وسطی بود که پیروان آن اکثراً از میان عناصر اولیه بورژوازی شهری بودند.

نومیالیسم نوعی تفکر ماتریالیستی است که بعدها پایه ای را برای جهان بینی بورژوازی ایجاد کرد: ۱- کل وجود ندارد، ۲- در جهان تنها پدیده های مشخص و منفرد وجود دارند ۳- اصطلاحات کلی، اصطلاحات عام و مشترک برای اشیاء مشخص هستند.

۹- فرانسیس بیکن، فیلسوف و سیاستمدار انگلیسی (از ۱۵۶۱ تا ۱۶۲۶). فلسفه ماتریالیستی بیکن مبین منافع بورژوازی در حال رشد بود. بیکن علیه اسکولاستیک قرون وسطی مبارزه کرد و در مقابل شیوه استدلال و تحلیل آنها، روش استفاده از علوم طبیعی را قرار داد. بنظر بیکن هدف از شناخت تسلط بشر بر طبیعت است. بیکن بنیانگذار ماتریالیسم انگلیسی است.

۱۰- آناگسگراس، فیلسوف یونانی (از ۴۲۸ تا ۵۰۰ قبل از میلاد) معتقد بود که تمام پدیده های طبیعی از هوموایومرها، که تعداد آنها بیشمار است، تشکیل شده اند. آناگسگراس که یک ماتریالیست بود، به علت عدم اعتقاد به خدا همواره مورد تعقیب قرار داشت.

۱۱- رجوع شود به توضیح ۱۰

۱۲- دموکریت فیلسوف ماتریالیست یونانی (از ۳۷۰ تا ۴۶۰ قبل از میلاد) یکی از رهبران جنبش دموکراتیک علیه برده داری بود. او مشهورترین سیستم ماتریالیستی را در دوران باستان بنیان گذاشت. دموکریت معتقد بود که جهان از تعداد بیشماری اتم که در فضای بینهایت در حرکت اند، تشکیل شده اند. اشیاء براساس جدائی و یا پیوند اتم ها از بین می روند و بوجود می آیند. تفاوت اشیاء با یکدیگر فقط بر پایه انواع مختلف ترکیب اتم هاست.

۱۳- استقراء (Induktion) یکی از شیوه های استدلال جهت تدوین تئوری است. تحت عنوان استقراء معمولاً حرکت از جزء به کل فهمیده می شود، برخلاف شیوه Deduktion که در آن از کل به جزء حرکت می شود.

۱۴- یاکوب بومه، فیلسوف و عارف آلمانی (۱۵۷۵ تا ۱۶۲۴) دارای تفکر دیالکتیکی بود. او عقیده داشت هر شیئی از جوانب متضاد تشکیل شده است و بدون این جوانب متضاد نمی تواند وجود داشته و تکامل یابد. حتی در مورد خدا هم این تضاد به صورت خوبی و بدی موجود است.

۱۵- توماس هوبس، فیلسوف و سیاستمدار انگلیسی (۱۵۸۸ تا ۱۶۷۹) نماینده مکتب ماتریالیسم مکانیکی و سیستم دهنده فلسفه بیکن بود. هوبس عقیده داشت دنیای خارج از اجسام مادی تشکیل شده که کوچکترین جزء این اجسام را اتم ها تشکیل می دهند، حرکت چیزی جز یک تغییر مکان مکانیکی اجسام قابل تغییر نیست. شناخت از طریق ریاضیات و هندسه بدست می آید. هوبس علیه آزادی ارادی مذهبی شدیداً مبارزه می کرد و از پیروان سرسخت دترمینیزم\* بوده از نظر تئوری اجتماعی معتقد بود که همه موجودات با هم در مبارزه اند و این امر، یک حالت طبیعی زندگی بشری است و تنها در صورت ایجاد یک حکومت مستبده با قدرت کافی، می توان بر این هرج و مرج مسلط گردید. نظریات هوبس تاثیر زیادی در فلسفه سیاسی بورژوازی داشت.

۱۶- جان لاک فیلسوف، روانشناس و محقق علوم تربیتی (۱۶۳۲ تا ۱۷۰۴) در انگلستان بنیانگذار مکتب سنسوالیسم (رجوع شود به توضیح ۱۷) و ادامه دهنده

---

\* دترمینیزم بینشی است که معتقد به رشد مستقل پدیده های مادی در طبیعت و اجتماع است. اراده، تفکر و عمل بشر نیز بخشی از این پدیده ها بشمار می آید. دترمینیزم مکانیکی تنها به قبول علت و معلول، پیدایش و زوال پدیده های طبیعی و اجتماعی اکتفا می کند و تاثیر اراده، تفکر و عمل بشر را در این حرکت طبیعی و اجتماعی نفی می کند. برعکس، دترمینیزم دیالکتیکی کلیه تضادهای موجود در قانون علت و معلول را از قبیل تضاد و ضرورت، ماهیت و شکل ظاهری، کل و جزء را در نظر می گیرد و در مسائل اجتماعی اراده و عمل بشر را به عنوان یک فاکتور عمده حرکت اجتماعی می داند.

ماتریالیسم هوبس بود. جان لاک عقیده داشت که تنها از طریق حواس می توان دنیای خارج را شناخت.

۱۷- سنسوالیسم مکتبی است که عقیده دارد تنها از طریق حواس می توان پدیده ها را شناخت. فکر در واقع چیزی جز ایجاد رابطه میان اطلاعاتی که ما از طریق حواس بدست می آوریم نیست. حقیقت آن چیزی است که حداقل در تضاد با حساسیت ما نباشد. مارکسیسم اگر چه، به نقش و ضرورت شناخت حسی در پروسه معرفت معتقد است، ولی این پروسه را برخلاف سنسوالیست ها فقط به این شناخت محدود نمی کند و عقیده دارد که این پروسه تنها با گذار به مرحله دوم؛ یعنی با گذار از شناخت منطقی کامل می گردد.

۱۸- دنیسم که در ابتدا در قرن شانزده و هفده در انگلستان بوجود آمد، معتقد است که اگر چه دنیا را خدا بوجود آورده است، ولی در پروسه تکاملی آن هیچ نفوذی ندارد و تکامل دنیا براساس مستقل از خدا انجام می گیرد.

۱۹- رابرت اون (۱۷۷۷ تا ۱۸۵۸) از نمایندگان برجسته سوسیالیسم تخیلی در انگلستان و از مخالفین سیستم سرمایه داری بود. اون عقیده داشت که تضادهای سیستم سرمایه داری ناشی از مالکیت خصوصی، مذهب و خانواده بورژوازی است. او همانطور که در متن این کتاب آمده است، ابتدا در کارخانه ای که در نیولانارک تحت رهبری او قرار داشت، از طریق تقلیل ساعات کار و اقدامات اصلاحی دیگر در بهبود وضع کارگران کوشید، برای اطفال کارگران کودکستان تأسیس کرد و در مدارس سیستمی ایجاد نمود که با کمک آن بتوان آموزش تنوریک را با کار عملی توأم ساخت. و بعدها اجتماعات نمونه کمونیستی ایجاد کرد و با سادگی ناشی از اعتقاد او به سوسیالیسم تخیلی از سرمایه داران خواست که برای سرنگونی سیستم سرمایه داری مبارزه کنند. انگلس در ارتباط با نقش و سهم اون در جنبش کارگری می نویسد که: "تمام جنبش های اجتماعی، تمام پیشرفت های واقعی که در انگلستان در جهت منافع کارگران انجام گرفته اند، با نام اون در ارتباط اند.

- ۲۰- فرقه ای از مذهب مسیح است که در قرن هفدهم در انگلستان بوجود آمد و بیش از همه جا در ایالات متحده امریکا توسعه یافت.
- ۲۱- سپاه مقدس تشکیلاتی است به سبک سازمان های ارتشی که هدف آن جلب افراد به مذهب مسیح است.
- ۲۲- پیرسیمون لاپلاس ریاضی دان و منجم فرانسوی (۱۷۴۹ تا ۱۸۲۷).
- ۲۳- نقل قول از کتاب فاوست، اثر گوته، شاعر و نویسنده آلمانی.
- ۲۴- کانتیسم جدید ادامه فلسفه امانوئل کانت (۱۷۲۴ تا ۱۸۰۴)، فیلسوف شهیر آلمانی و اولین بنیانگذار فلسفه کلاسیک آلمان است. کانتیسم جدید جریان فلسفی با نفوذی است که از کمون پاریس تا انقلاب کبیر اکتبر به منزله وسیله ای در دست بورژوازی به منظور مبارزه علیه جنبش پرولتری قرار داشت. این فلسفه به ویژه ابزاری بوده است در خدمت مبارزه علیه درک دیالکتیکی و تاریخی ماتریالیسم.
- ۲۵- شینی در خود (Ding an sich) اصطلاحی است فلسفی از کانت. کانت معتقد بود که شناخت انسان از اشیاء بر پایه تظاهر خارجی آنهاست و ماهیت مطلق اشیاء (شینی در خود) را نمی توان شناخت. اصطلاح شینی در خود در واقع سازشی است میان ماتریالیسم و ایده آلیسم، زیرا کانت از یکسو به شناخت بر پایه عینیات که بینشی ماتریالیستی است، عقیده دارد و از سوی دیگر با مطلق کردن ماهیت اشیاء در یک موضوع ایدئالیستی قرار می گیرد.
- ۲۶- رفرماسیون به مجموعه کوشش هانی گفته می شود که در قرن های پانزده و شانزده به منظور تجدید نظر و یا ایجاد اصلاحاتی در مذهب مسیح و تاثیرات آن در روابط اجتماعی انجام گرفت. در اینجا بطور مشخص منظور جنبش ملی ای است که در آلمان بر پایه تزه های لوتر علیه حکومت پاپ بوجود آمد و سپس به جنبش عظیم دهقانی منجر گردید.
- ۲۷- اولیور کرامول (۱۵۹۹ تا ۱۶۵۸) سیاستمدار انگلیسی در انقلاب بورژوازی بود. در جنگ انقلابی یک گروه ممتاز تشکیل داد. تحت فشار جنبش دمکراتیک

خرده بورژوازی به اعدام کارل اول دست زد. کرامول به عنوان عضو رهبری کننده شورای دولتی و فرماتده کل ارتش تقریباً اختیارات تام کسب نمود و قدرت خود را جهت تثبیت سیستم سرمایه داری، علیه ارتجاع فئودالیستی به کار برد.

۲۸- سلسله ستورات خانواده اشرافی اسکاتلندی (از سال ۱۳۷۱ تا ۱۷۱۴). این خانواده از سال ۱۶۰۳ تا ۱۷۰۲ (به استثنای چند سال) در انگلستان حکومت می کرد.

۲۹- مکتبی است که فیلسوف فرانسوی دکارت و پیروانش تشکیل دادند.

۳۰- کود سیویل (code civil) و یا کود ناپلئون قانون مدنی ای است که ناپلئون در سال ۱۸۰۴ منتشر نمود و همچنان قانون مدنی فرانسه امروز را تشکیل می دهد. این اولین قانون مدنی ای است که مبین حقوقی دست آوردهای انقلاب بورژوا-دمکراتیک در فرانسه می باشد.

۳۱- بنیامین دیسرانیلی، سیاستمدار محافظه کار انگلیسی (۱۸۰۴ تا ۱۸۸۱). دیسرانیلی از ۱۸۴۸ حزب محافظه کار را مجدداً سازمان داد و در رأس آن قرار گرفت. از ۱۸۵۲ تا ۱۸۶۸ چندین بار وزیر دارایی، یکبار در سال ۱۸۶۸ و بعد هم از سال ۱۸۴۷ تا ۱۸۸۰ نخست وزیر بود. وی در توسعه مستعمرات انگلیس نقش موثر داشت.

۳۲- توری یک گروه سیاسی بود که بعد از ۱۶۶۰ و هنگام انقلاب بورژوانی در انگلستان از طرف شاه پرستان بوجود آمد. این گروه بعدها تبدیل به حزب محافظه کار گردید و به همین دلیل امروز نیز اعضای این حزب "توری" خطاب می شوند.

۳۳- قانون تعقیب سوسیالیست ها، قانونی است که از طرف بیسمارک در سال ۱۸۷۸ تا ۱۸۹۰ علیه جنبش سوسیالیستی کارگری تنظیم و به اجرا در آمده بود. طبق این قانون تشکیلات حزبی و سندیکائی، اجتماعات و مطبوعات آنها ممنوع گردید و این تشکیلات ناگزیر به صورت مخفی در آمد.

۳۴- ژان ژاک روسو، نویسنده و فیلسوف ایدئالیست فرانسوی (۱۷۱۲ تا ۱۷۷۸)، مشهورترین تنوریسین فلسفه دولت و ایدئولوگ انقلاب فرانسه بود. روسو در اثر خود بنام "بحثی در باره عدم مساوات در میان انسان ها" ثابت می کند که مالکیت خصوصی و عدم مساوات اجتماعی، ایجاد دولت ضروری است. او سرسختانه علیه حکومت مطلقه فئودالی مبارزه کرد و با حرکت از حقوق طبیعی انسان ها خواستار استقلال کامل خلق بود. بنابر نظریه روسو انسان ها ابتدا در شرایط طبیعی و مساوی بسر می بردند، مالکیت خصوصی و روابط مالکیت نامساوی، موجب گذار انسان ها از شرایط طبیعی به شرایط تابعیت دولتی شد و بر پایه یک "قرارداد اجتماعی" به ایجاد دولت منجر گردید ولی تکامل عدم تساوی سیاسی، این قرارداد اجتماعی را از بین می برد و شرایط طبیعی جدیدی را بوجود می آورد. روسو معتقد است که برای از بین بردن این شرایط جدید باید براساس قرارداد اجتماعی جدیدی دولت عقل پدید آید.

۳۵- Wiedertäufer, یکی از جنبش های دوران رفرماسیون است که عقیده داشت باید جامعه ای براساس ایده های مسیح و جوامع اولیه تاسیس گردد.

۳۶- توماس مونسر (۱۴۹۰ تا ۱۵۲۵)، یکی از رهبران جنبش دهقانی آلمان بود. مونسر در سال ۲۱-۱۵۲۰ برداشت خاص خود را از جهان تدوین کرد. او معتقد به ایجاد جامعه ای بدون طبقات بود و عقیده داشت خلق آن نیروی است که توانایی ایجاد چنین جامعه ای را دارا می باشد. نقشه او مبنی بر تمرکز جنبش های ضدطبقات حاکمه به علت عدم توانایی دهقانان و اپوزیسیون شهر در خارج شدن از پابندی های محلی، با شکست مواجه گردید. مونسر در پانزدهم ماه مه ۱۵۲۵ دستگیر و در ۲۷ همان ماه اعدام شد.

۳۷- لولرز، جنبشی بود که در قرن هفدهم در انقلاب بورژوائی انگلستان بخاطر منافع فقیرترین اقلشار شهری و روستائی مبارزه می کرد و عقیده داشت که روستائیان فقیر باید بدون پرداخت اجاره به زراعت بپردازند.

۳۸- بابف یکی از انقلابیون و کمونیست های تخیلی فرانسه (۱۷۶۰ تا ۱۷۹۷) بود. او در انقلاب کبیر فرانسه از منافع طبقه چهارم دفاع می کرد و خواستار تساوی "واقعی" مردم بود. بابف در سال ۱۷۹۶ دستگیر و ۲۸ ماه مه ۱۷۹۷ اعدام شد.

۳۹- دوران وحشت به دوران دیکتاتوری انقلابی دمکراتیک ژاکوبین ها (ژوئن ۱۹۷۳- ژوئیه ۱۹۷۴) اطلاق می شود که در آن دولت انقلابی به رهبری روبس پیر در قبال ترور ضدانقلابی ژیروندیست ها و سلطنت طلبان به ترور انقلابی دست میزد. شورای حکومت، بالاترین ارگان دولتی فرانسه بود که پس از این دوران بوجود آمد و از پنج عضو تشکیل می گردید. شورای حکومت بر پایه قانون اساسی ۱۷۹۵ تأسیس و تا کودتای ناپلئون بناپارت (۱۸ برومر ۱۷۹۹) با اعمال ترور و دفاع از منافع بورژوازی بزرگ حکومت می کرد.

۴۰- نبرد واترلو (بلژیک)- در این جنگ ناپلئون در هجده ژوئن ۱۸۱۵ از سپاه مشترک انگلستان و هلند تحت رهبری ولینگتن و سپاه پروس به رهبری بلوشر شکست می خورد. نبرد واترلو سر آغاز وحدت انگلستان، روسیه، سوئد، اسپانیا و کشورهای دیگر علیه ناپلئون بود. این متفقین موفق شدند در همان سال طی یک حمله وسیع و همه جانبه ناپلئون را شکست داده، حکومت او را برای همیشه سرنگون سازند.

۴۱- فوریه این افکار خود را در تز زیر تکامل و توضیح می دهد: "ترقی اجتماعی و تغییرات زمان به موازات رشد آزادی زنان به پیش می رود، نابودی نظام اجتماعی متقابلا و به همان نسبت با محدودیت و سلب آزادی زنان همراه می باشد". سپس فوریه بر این اساس چنین نتیجه می گیرد: بسط و تکامل حقوق زنان اصل عمده کلیه پیشرفت های اجتماعی است.

۴۲- در سال ۱۸۱۲ اون در میتینگی در گلاسکو پیشنهادی مشتمل بر اقدامات جهت بهبود وضع کارگران و کودکان شاغل در کارخانه های ریسندگی و بافندگی مطرح می سازد. طرحی که براساس این ابتکار و تلاش اون در سال ۱۸۱۵ در این

باره تنظیم گردید، بالاخره در سال ۱۸۱۹ پس از تغییرات فاحشی در اصل پیشنهاد مورد تصویب پارلمان قرار گرفت و به صورت قانون در آمد.

۴۳- در اکتبر ۱۸۳۳ یک کنگره جامعه تعاون و سندیکاهای کارگری به ریاست اون در لندن تشکیل گردید. این کنگره اتحادیه ملی کارگران را به صورت صوری تأسیس کرد و برنامه و اساسنامه اتحادیه در فوریه ۱۸۳۴ به تصویب رسید. طبق نظر اون این اتحادیه می بایستی امر رهبری تولید را در دست گیرد و به شیوه مسالمت آمیز دگرگون کامل جامعه را تحقق بخشد. اما این برنامه تخیلی با شکست مواجه شد. اتحادیه با مقاومت شدید دولت و جامعه بورژوائی روبرو گردید و در اوت ۱۸۳۴ بساط آن برچیده شد

۴۴- منظور بازارهائی است که در شهرهای مختلف انگلستان از طرف جامعه تعاون کارگران، با هدف مبادله کالا براساس ارزش واقعی آن تأسیس شده بود. اولین بار در سپتامبر ۱۸۳۲ از طرف اون در لندن تشکیل و به مدت دو سال وجود داشت.

۴۵- در ۳۱ ژانویه ۱۸۴۹، در اثنای انقلاب ۴۹/۱۸۴۸ پردون بانک خلق را در پاریس تشکیل داد. این بانک قریب دو ماه و آن هم فقط بر روی کاغذ وجود داشت به قول مارکس این بانک قبل از شروع فعالیت رسمی با شکست مواجه بود.

پیرژوزف پردون (۱۸۰۹ تا ۱۸۶۵)، اقتصاددان و جامعه شناس فرانسوی، ایدئولوک خرده بورژوازی و از پایه گذاران آنارشسیسم بود. پردونیسیم، جریانی است در جنبش کارگری قرن نوزده فرانسه که هدف آن ایجاد جامعه ای متشکل از تولید کنندگان کوچک بود. پردونیسیت ها عقیده داشتند که باید از طریق رفرم، از بین بردن پول و بهره چنین جامعه ای را به وجود آورد. مارکس در کتاب "فقر فلسفه" این مکتب را به شدت مورد انتقاد قرار می دهد.

۴۶- ویلهلم وایت لینگ (۱۸۰۸ تا ۱۸۷۱) از نمایندگان برجسته کمونیسیم تخیلی آلمان بود. وایت لینگ مدت ها به عنوان تنوریسین "اتحادیه دادخواهان" فعالیت

داشت. او مدتی در سویس سکونت نمود، پس از آن به بلژیک، انگلستان و سپس به امریکا مهاجرت کرد، در سال های انقلاب ۹/۸/۱۸۴۹ به آلمان بازگشت اما بعد مجدداً ناگزیر به مهاجرت شد. نظریات وایت لینگ به علت پندارگروایه‌های بیش از حد، نتوانست در جنبش کارگری که در آن زمان تکامل یافته بود، مورد توجه قرار گیرد. وایت لینگ در اثر خود "تضمین هماهنگی و آزادی" (۱۸۴۲)، جامعه‌ای بدون ستم و استثمار را ترسیم می‌کند.

۴۷- دوره اسکندریه، به دورانی اطلاق می‌شود که از زمان حکومت پتلمه‌ها (۳۲۳ تا ۳۳۰ قبل از میلاد) و رومی‌ها تا حمله اعراب (۶۴۰ بعد از میلاد) به بندر اسکندریه را- که مرکز تمدن آن عصر بود- شامل می‌شود. در این دوره پیشرفت‌های عظیمی در علوم، به ویژه در ریاضیات (اویکلید، ارشمیدس) جغرافیا، نجوم، کالبد شناسی و فیزیولوژی صورت گرفت.

۴۸- جنگ‌های تجارتنی قرن‌های هفده و هجده به سلسله جنگ‌هایی گفته می‌شود که میان بزرگترین ممالک اروپا بخاطر تحصیل امتیازات اقتصادی و بازرگانی هندوستان و امریکا به منظور در اختیار گرفتن بازارهای مستعمراتی در جهان انجام گرفت. ابتدا رقبای عمده را انگلستان و هلند تشکیل می‌دادند و جنگ تجارتنی ۱۶۶۴/۶۷ و ۱۶۵۲/۵۴ میان این دو کشور بود. پس از جنگ‌های میان انگلستان و فرانسه بوقوع پیوست. انگلستان از تمام این نبردها پیروز بیرون آمد و در نتیجه در اواخر هفدهم تقریباً تمام بازرگانی جهان در دست این کشور متمرکز گردید.

۴۹- بنابر اساطیر یونان باستان پس از آنکه پرومته، آتش را برای انسان‌ها به زمین می‌آورد، زئوس پاندورا را مأمور تنبیه او می‌سازد. پاندورا پرومته را به صخره‌ای می‌خکوب کرد و به عقابی ماموریت داد، جگر او را که هر روز مجدداً نمو می‌کرد، بخورد و این تا زمانی که هراکلس عقاب را به قتل رساند ادامه داشت.

۵۰- تراست یک سازمان بزرگ سرمایه‌داری است که به منظور در انحصار گرفتن تولید، از طریق درآمیختن شرکت‌ها با کارخانجات و موسسات تجارتنی تشکیل

می گردد. اما این درآمیختن بنحوی انجام می گیرد که مؤسسات شرکت کننده استقلال اقتصادی، سیاسی و حقوقی خود را به کلی از دست می دهند و تحت رهبری و تابعیت هیات مدیره تراست قرار می گیرند.

۵۱- "دولت خلقی آزاد"، برنامه و راه حلی سطحی بود که در سال های ۱۸۷۰ به وسیله سوسیال دمکرات های آلمان ارائه می گردید. مارکس در "یادداشت هائی بر برنامه حزب کارگران آلمان، (انتقاد بر برنامه گوتسا)، انگلس در نامه ۱۸ و ۲۸ مارس ۱۸۷۵ به بیل، و لنین در کتاب "دولت و انقلاب" این برنامه و راه حل را بشدت مورد انتقاد قرار داده اند.